



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

اصول الفقه (ملازمات عقلیه)

ادله عدلیه و اشاعره ۳

جلسه ۱۷۷

استاد رفعتی

دلیل عدلیه:

مدعا: حسن و قبح اگر فقط از طریق شرع ثابت شوند؛ پس این دو اصلا ثابت نشده حتی از طریق

شرع:

توضیح:

وقتی شارع مقدس به شیئی امر کند، صرف این امر، موجب حسن مأموریه نیست؛ بلکه زمانی می‌توان آن را حسن خواند که علاوه بر این، فاعل را بر انجامش مدح نمایند؛ چنانچه وقتی از شیئی نهی نمود، مجرد نهی باعث قبح آن فعل نمی‌شود؛ بلکه اگر فاعلش را بر آن مورد مذمت کنند، فعل مزبور قبیح می‌باشد و واضح است که لزوم مدح فاعل بر فعل و مذمتش بر انجام شیئی از هیچ راه دیگری دانسته نشده مگر آنکه این معنا در عقل واجب و ثابت باشد؛ لاجرم حسن مأموریه و قبح منهی عنه، صرفا موقوف بر حکم عقلی شده و بدین ترتیب، مطلوب ثابت می‌گردد.

اگر مدح شارع در قبال فعل مأموریه و مذمتش در مقابل انجام فعل منهی عنه در حق فاعل ثابت گردد و فرض هم این باشد که مدحش عبارت است از ثواب و مذمتش عقاب او می‌باشد؛ از کجا باید دانست که وی در این مدح و ذم صادق است؟ تنها راه اثبات صدق الهی، حکم عقل به مدح صادق و ذم کاذب است.

اشکال اشاعره:

در حسن بودن شیئی همین مقدار کافی است که امر به آن تعلق بگیرد؛ چنانچه در اتصافش به قبح صرف تعلق نهی کفایت می‌کند و به حسب فرض، امر و نهی وجدانا ثابت است و دیگر حاجتی به فرض ثبوت



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

مدح و ذمّ از ناحیه شارع نداریم؛ یعنی همین مقدار که امر یا نهی از جانب شارع مقدّس صادر و به فعل تعلّق گرفت، مأمور به حسن و منهی عنه قبیح می‌گردد و بیش از این به امر دیگری نیازمند نیستیم.

اشکال مصنف به این استدلال و اشکال:

این کلام در حقیقت به اصل نزاع در معنای حسن و قبح برمی‌گردد؛ یعنی هم دلیل و پرهانی که عدلیّه آورده و هم جوابی که بعضی از اشاعره داده‌اند صرف دعوی و مصادره به مطلوب می‌باشد

استدلال مصنف:

از نظر طرفین نزاع، مسلم است که اطاعت اوامر و نواهی شرعیّه لازم است. و نیز لزوم معرفت از دیدگاه هردو گروه، امر حتمی و یقینی می‌باشد؛ از نظر اشاعره، این وجوب شرعی می‌باشد؛ به آنها گفته می‌شود: این وجوب از کجا ثابت شده است؟

اگر بگویند: ثبوتش بواسطه امر شارع می‌باشد؛ کلام را به این امر نقل داده و به ایشان می‌گوئیم: اطاعت

این امر از کجا واجب شده؟

اگر وجوبش عقلی است که مطلوب ثابت است و اگر شرعی می‌باشد پس برای آن امر دیگری لازم بوده که وجوب اطاعتش نیازمند به امر دیگری است؛ لاجرم باید کلام را به آن امر نقل داد و لازمه‌اش تسلسل است که مستحیل می‌باشد.

نکته:

اساساً ثبوت شرایع از اصل و بنیان موقوف بر تحسین و تقبیح عقلی است و اگر ثبوت آنها وابسته به شرع باشد، به طور کلی ثبوت شرایع مستحیل می‌گردد؛ زیرا تسلسل پیش می‌آید.

در نتیجه باید بگوئیم:

ثبوت حسن و قبح شرعی، موقوف است بر ثبوت حسن و قبح عقلی.